

زینت‌گرایی و جوانی از منظر آیات قرآنی

مهرناز باشی‌زاده مقدم (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث)

mbashizadeh@yahoo.com

علی راد (دانشیار دانشگاه تهران پردیس فارابی)

ali.rad@ut.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳)

چکیده

مطابق آیه: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ) (حدید: ۲۰)، برخی مفسران گرایش‌های پنج‌گانه، لعب، لهو، زینة، تفاخر و تکاثر را از جمله عمده‌ترین گرایش‌های انسانی برشمرده و آن‌ها را با پنج دوره سنی حیات دنیوی انسان یعنی کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و کهن‌سالی مرتبط دانسته‌اند. در این میان گرایش «زینت» با دوره جوانی، یعنی بهار عمر و زیباترین فصل حیات دنیوی انسان، متناظر است. به لحاظ معناشناسی مطلق زیبایی، از جمله معانی زینت است؛ و جوان، خود مصداق تام زینت است. این پژوهش درصدد تبیین اوصاف زینت‌گرایی از منظر آیات قرآن و تفاسیر آن‌ها، و پیوند این گرایش با شاخصه‌های دوران جوانی از دیدگاه روانشناسی رشد است. مطابق آیات قرآنی زینت‌گرایی محدود به بازه سنی خاصی نیست، اما ظهور و پدیداری این گرایش می‌تواند در این ایام باشد. برترین زینت از دیدگاه قرآن زینت قلب، یعنی ایمان است و جوانان آراسته به این زینت در کلام وحی ستوده شده‌اند.

کلید واژه‌ها: ادوار حیات انسانی، جوانی، زینت، قرآن

درآمد

زینت‌گرایی از جمله گرایش‌های ذاتی انسان است. زیبایی به صورت مطلق خود به معنای زینت است و طبق دیدگاه تفسیری اوج ظهور و پدیداری این گرایش می‌تواند متناظر با دوره جوانی یعنی بهار عمر و زیباترین فصل حیات آدمی باشد. از سویی چه بسا جوان - که در این دوران در پی ابراز وجود و اثبات شخصیت خویش است - در کنار زیور ذاتی‌اش، یعنی طراوت جوانی، خود را به زیورهای مادی و معنوی بیشتری بیاراید. هر چند گرایش زینت می‌تواند دو سویه ممدوح و مذموم داشته باشد. برخی آیات قرآن به مؤلفه‌هایی از زینت‌گرایی اشاره دارند که با شاخصه‌های دوره جوانی در پیوند است.

۱. معناشناسی «زینت»

«زینت» اسمی است جامع برای هر آن چیزی که با آن آراستگی صورت گیرد. مانند زیورآلات و لباس و مانند آن (ابن منظور، ۱۴۰۸: زینة). از یک منظر آرایه‌ها و زینت‌ها اقسام متفاوتی دارند؛ چه بسا آراستگی و زیبایی‌ای چون علم زینت نفس باشد، یا طراوت جوانی زینت بدن، و مال و مقام زینت خارجی (راغب، ۱۴۱۲: زینة). از سویی، مطلق زیبایی، خود «زینت» است و ریشه «زینة» یعنی «زین»، بیانگر نیکویی در ظاهر هر چیز است. خواه این نیکویی عرضی باشد یا ذاتی (مصطفوی، ۱۳۸۶: زینة). در بیان قرآن گاه واژه «زینة» با «زخرف» (انعام: ۱۱۲)، «ریش» (اعراف: ۲۶) «جمال» (نحل: ۶۶) و «حلیة» (نحل: ۱۴؛ فاطر: ۱۲) یکی دانسته شده و در معنای لباس، فلزات قیمتی، اسباب و لوازم خانه نیز آورده شده است.

۲. اوصاف زینت‌گرایی از منظر آیات قرآن و پیوند آن با دوره جوانی

سومین گرایشی، که مطابق آیه ۲۰ سوره حدید از منظر تفسیری با دوره سؤم حیات آدمی یعنی جوانی متناظر است، گرایش «زینت» است.^۱ جوانی دوره‌ای شکوهمند، پر اوج و بی‌بازگشت است. دوره‌ای که از نظر رشد جسمانی، شناختی و هیجانی / اجتماعی اقتضائات خود را داراست. در این دوره کم‌آگاهی، شتاب‌ناکی، ناهشیاری، خودشیفتگی و کم‌تجربگی با خصلت‌هایی همانند امیدواری، جستجوگری، حق‌طلبی، عاطفه‌مندی و خوداتکایی پیوند می‌خورد.

درباره محدوده سنی جوانی در بین روان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد.^۲ مطابق دیدگاه‌های مشهور روانشناسی رشد، دوره جوانی به بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی یا ۲۰ تا ۴۰ سالگی اطلاق

می‌شود (برک، ۱۳۹۰: ۳۳۱-۳۳۲). شاید از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره جوانی که در پی رشد جسمی حاصل می‌شود، نهایت بالندگی و زیبایی و - چنان‌که در تعبیر قرآن آمده - قوّت و قدرت جسمی باشد (روم: ۵۴). از سویی زیبایی دوستی و خودآرایی امری فطری است و همگان تمایل و گرایش به زیبایی دارند و از آن تعبیر به زیبایی‌پرستی و زیبایی‌ستانی می‌شود. اما همچون سایر گرایش‌ها، این گرایش نیز می‌تواند دچار افراط یا تقریط شود (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹۴).

«زینت‌گرایی» از ملازمات دوره جوانی است، چراکه جوان شیفته اظهار وجود و دلباخته ابراز لیاقت‌ها و شایستگی‌ها است. برای جوان، اثبات شخصیت اجتماعی مطبوع‌ترین و شیرین‌ترین لذت روحی است و برای نیل به این مقصود از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند (علیزاده، ۱۳۸۵: ۳۲). در این میان از آنجاکه در جوان زیبایی جسمانی به اوج خود می‌رسد، این امر جسمانی، روح او را به خویش مشغول می‌کند و یکی از سرگرمی‌های جوان، رسیدگی کردن و افزودن به زیبایی جسمانی‌اش می‌شود (فخرایی، اسلام‌پورکریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). همچنین حس خودشیفتگی و جلوه‌گری او باعث می‌شود آراستگی و «زینت‌گرایی» نه تنها در ظاهر بلکه در رفتار و گفتار او نیز تجلی یابد. از دلایل جلوه‌گری از طریق زینت در میان جوانان، مقبولیت در میان گروه‌های سنی مشابه، بالاتر و همچنین جنس مخالف است (دایان ای پاپالیا، ۱۳۹۲: ۵۴۵). بهار جوانی که دوره زینت عمر آدمی است، از دیدگاه‌های مختلف، شاخصه‌ها و اوصاف خاص خود را داراست. از سویی گرایش «زینت» در آیات قرآن اوصاف و شاخصه‌هایی دارد که پیوند این گرایش با دوره جوانی از منظر آیات قرآنی بررسی خواهد شد.

ریشه «زین» در قرآن در ۴۴ مورد به کار رفته است. واژه «زینة» در یازده مورد و ترکیب این واژه با ضمیرهای متصل در هشت مورد به کار رفته است. چنانکه در بخش معناشناسی بیان شد واژه «زینة» به لحاظ مفهوم با واژگان قرآنی دیگر نیز مرتبط است. در اینجا به بررسی آیاتی از گرایش زینت می‌پردازیم که با اوصاف جوانان و دوره جوانی پیوند دارد.

۲-۱. «زینت» و نیکو‌نمایی

بسیار دیده‌ایم که روحیه خودشیفتگی جوان باعث می‌شود خود را به گونه‌های مختلف بیاراید. «زینت» جوان الزاماً لباس و آرایش‌های ظاهری و زیورآلات نیست؛ اندیشه نو و خلاق جوان هم گاه زینت اوست که به معرض نمایش می‌گذارد. به‌طورکلی «زینت» باید به‌گونه‌ای باشد که در

معرض دید سایرین قرار گیرد و تأثیری روانی بر آن‌ها گذارد، یعنی با موجب تحسین و تمجید آن‌ها شود و آن‌ها را به تفکر در مورد زینت کننده وادارد، و یا موجب عبرت و استدلال در مورد امری خاص باشد.

یکی از عام‌ترین جلوه‌های نیکو نمایی خودآرائی و خودنمائی است که گرچه ممکن است مقارن هم ظهور می‌کنند اما دو مفهوم و دو واقعیت متمایزند. خودآرائی امری فطری است و افراد تمایل و گرایش به جمال و زیبایی دارند، بر اثر این تمایل است که انسان آنچه را زیبا بداند دوست دارد و دوست می‌دارد که خود نیز از زیبایی و جمال همه‌جانبه بهره‌مند شود، هرچند ممکن است این تمایل و گرایش مانند گرایش‌های دیگر دچار افراط و تفریط شود. خودآرائی جوانان چنانکه در مقدمه این بخش بیان شد یا برای نیکونمایی در چشم همسالان است و یا بزرگسالان و جنس مخالفان. در آیات قرآن اغلب نیکونمایی‌هایی که از جانب خداوند صورت گرفته برای ایجاد پرسشی مقدر یا محسوس درباره خالق زیبایی‌هاست^۳ (فخرایی، اسلام‌پورکریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

در این میان بدیهی است که لباس و انواع آرایه‌ها و پوشش‌های ظاهری به‌عنوان یکی از عناصر زیانمایی جایگاهی ویژه دارد. پیدایش و وجود لباس و پوشش از نظر امنیتی، اجتماعی و روانی مهم است؛ تا جایی که می‌توان گفت از جمله مهم‌ترین وجهه‌های روانی پوشش یا لباس، وجهه خودآرایی در معنای مثبت و خودنمایی در معنای منفی آن است. چراکه لباس در معنای «زینت» زشتی‌ها را می‌پوشاند و شخص را آراسته و نیکو جلوه می‌دهد. جوان که در سنین جوانی در اوج بالندگی جسمی است و از سویی از نظر روانی در پی هویت‌یابی و شخصیت‌سازی است بیش از سایرین به پوشش ظاهری خود توجه می‌کند؛ زیرا لباس، خانه دُوم او می‌شود و او با نحوه پوشش خود بخشی از هویت و باورهای خود را ابراز می‌کند. بسیاری از آیات قرآن به مسأله پوشش از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. در آیه‌ای از لباس به عنوان پوشاننده زشتی‌ها یاد شده است: (یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ) (اعراف: ۲۶).

آیه‌ای دیگر زینت و ازجمله پوشش آراسته را از مقدمات عبادت ذکر می‌کند: (یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (اعراف: ۳۱)؛ برخی آیات به پوشش زیبا و زینت‌های بهشتیان اشاره دارند: (يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ) (دخان: ۵۳)، (جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ

لِيَأْسُفُهُمْ فِيهَا حَرِيرٍ (فاطر: ۳۳). همه این آیات بیانگر این امر هستند که پوشش به عنوان زینت مورد توجه است.

از سویی از منظری دیگر در برخی آیات، احکام شرعی پوشش بیان شده است:

(وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (نور: ۳۱).

با دقت در فحوای آیات مربوط به حجاب روشن می‌شود که جلوه‌گری‌ها و خودنمایی‌ها بیشتر از آن کسانی است که در برهه جوانی قرار دارند نه کسانی که در سنین کهن سالی هستند؛ چنانکه در آیه ۶۰ سوره نور آمده است: «بر زنان از کارافتاده‌ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند، هرچند عفت ورزیدن برای آن‌ها نیز بهتر است»^۴ (نور: ۶۰). همچنین اگر به مردان مؤمن توصیه شده که چشم خود را فرو افکنند، قطعاً با توجه به جاذبه‌های جنسی برای جوان این توصیه در مورد مردان جوان بیش از کهن سال مؤکد است تا زیبایی‌های جنس مخالف خصوصاً زنان جوان آن‌ها را به دام گناه نیفکند: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (نور: ۳۰).

خودنمایی که سوبه منفی نیکو نمایی است در مرحله واضح و آشکارش با نشان دادن جسم و اندام همراه است. از آنجا که دوره جوانی اوج زیبایی و آراستگی ظاهری آدمی است جوانان به این خودنمایی بیش از سایرین گرایش دارند. این خودنمایی غالباً با آرایش توأم است. اگرچه این امر تنها در نمایش و آرایش بدن و اندام‌های جسمانی خلاصه نمی‌شود، بلکه با نمایش و آرایش در لباس نیز همراه است و گاه حتی در نحوه گفتار و رفتار هم تسری می‌یابد. بخشی از این خودنمایی می‌تواند متأثر از غریزه جنسی باشد که به عنوان نیروی محرکه، در جوان نوری که احتیاج‌های جدیدی دارد بروز می‌کند (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۰). اما کلام وحی و روایات، کرانه‌های این نیکونمایی را چنانکه در آیات فوق بیان شد، مشخص نموده‌اند.

همچنین از جمله مصادیق قرآنی خودنمایی، که کلام وحی از آن نهی فرموده، نحوه پوشش زنان و پرهیز از زینت، آرایش و هرگونه جلوه نمایی برای نامحرمان است. توصیه شده زنان مؤمنه عفاف را از جنبه‌های گوناگون رعایت کنند. (نور: ۳۱؛ احزاب: ۳۳، ۹۹) (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...) (احزاب: ۳۳). با توجه به این آیه شاید بهترین مصداق جاهلیت اخری یا «جاهلیت ثانیه» که جاهلیتی است که بعداً پیدا خواهد شد «مدگرایی» باشد. حقیقت «مد» اینگونه بیان شده است:

مد از لحاظ روانی، با نوعی خودنمایی و نیاز به جلب توجه دیگران به خود بستگی دارد و این نیاز را باید در بافتی از چشم و هم‌چشمی جنسی و اجتماعی درک کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۹۰).

پرواضح است که جوان، که در اوج بالندگی و زیبایی جوانی و از سویی در پی یافتن هویت و ابراز وجود است، به «مدگرایی» که نوعی خودنمایی است گرایش پیدا کند. جوانان پیش‌قدمان زیبایی هستند و ارزش‌های مربوط به جمال‌پسندی را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند و سیر در تماشای جمال یکی از فعالیت‌هایی است که جوانان به آن بسیار علاقه‌مندند و زیبایی در ایشان یک نوع لذت ایجاد می‌کند (فلسفی، ۱۳۴۴: ۸).

لازم به ذکر است اگرچه حس خودآرایی در جوان بیش از سایر اقشار سنی وجود دارد، اما از سویی نیز به صورت اختصاصی‌تر این میل در زنان بیش از مردان است و اگر در بیشتر دستورات قرآن، پوشش به زنان اختصاص یافته به این دلیل است که میل زن به خودآرایی با توجه به زیبایی‌های فیزیکی او بیشتر است. بسیار نادر است که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند مگر در مواردی که از نظر هویت جنسی دچار اختلالی باشند. این زن است که می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته خویش نماید. از همین رو دستورات پوشش بیشتر برای او مقرر شده است (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۳۶).

۲-۲. «زینت» و زندگی دنیا

دسته دیگری از آیات درباره زینت‌های زندگی دنیاست؛ که شامل زن و فرزند و مال و مرکب و کشت و زرع است و از آن‌ها بعنوان متاع زودگذر زندگی دنیا یاد شده است:

(زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ) (آل عمران: ۱۴).

هرچند بدون آن‌ها نمی‌توان زندگی کرد، و حتی پیمودن راه معنویت و سعادت نیز بدون وسایل مادی غیرممکن است، اما استفاده کردن از آن‌ها در این مسیر مطلبی است و دلبستگی فوق‌العاده و پرستش آن‌ها و هدف‌نهایی بودن آن‌ها مطلب دیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۳۶/۲). جوان - که در این ایام دچار تغییرات فیزیولوژیک و جنسی می‌شود - تمایل به جنس مخالف در او بروز می‌یابد. اگر این تمایل در مسیر درست هدایت شود زمینه ازدواج و تشکیل خانواده برای او فراهم می‌گردد. از سویی روحیه استقلال‌طلبی و ابراز وجود او را به سمت جاذبه‌های مادی و دارایی‌ها می‌کشاند. چنان‌که قرآن از همه این موارد به عنوان زینت‌های دوست‌داشتنی یاد می‌کند، اما درنهایت آن‌ها را متاع زودگذر دنیوی می‌شمارد.

در برخی آیات، زندگی زینت‌یافته دنیا از جمله سلامت و امنیت و فزونی اموال و ریاست و ... ابزار امتحان معرفی شده است (الوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۵/۶). (مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يَخْسُونَ) (هود: ۱۵). این امر بیان‌گر یک سنت همیشگی الهی است که اعمال مثبت و مؤثر و نتایج آن از میان نمی‌رود. با این تفاوت که اگر هدف اصلی رسیدن به زندگی مادی این جهان باشد ثمره آن چیزی جز آن نخواهد بود. ولی اگر خدا و جلب رضای او هدف باشد، هم در این جهان تأثیر خواهد بخشید و هم نتایج پرباری برای جهان دیگر خواهد داشت (بابایی، ۱۳۸۲: ۳۲۲/۲).

نکته مهم دیگر اینکه همه آنچه از ابزار امتحان به عنوان زینت نام برده می‌شود، زینت ارض یا زمین است:

- (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَتَّبِعُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) (کهف: ۷)؛
- (الْمَالُ وَ الْبُنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا) (کهف: ۴۶).

البته زینت برای جنبه زمینی انسان است، ولی از منظر قرآن حیثیت اساسی انسان در این بخش نیست و ایمان و عمل صالح زیور اصلی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۲۷/۱۲). نیز در برخی آیات به دوام نداشتن زینت‌های دنیا تصریح شده است که تعبیر «حیاه الدنیا» در معنای زندگی زودگذر و پایان‌پذیری است که در مقابل زندگی جاودانی و ابدی به ما نزدیک‌تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۲/۱۶). (وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (قصص: ۶۰).



با توجه به همه آيات فوق و آنچه از خصوصيات زندگى دنيا و زينتهاى آن در آيات قرآنى ذكر شد، از جمله اينكه ابزار امتحان و زودگذر است، و از سويى با توجه به روحيه آرمانگرایی و کمال طلبی جوان و جاذبه‌ای که همه زينتهاى دنيايى برای او دارد، به نظر می‌رسد اگر جوان تحت هدایتگری‌های الگو و هادی به‌حقى قرار گیرد، از همين دوره در مسير رسيدن به اهداف اصلی و غايی آفرينش انسان گام بر خواهد داشت.

نگاهی گذرا به پاره‌ای از رفتارهای جوان ممکن است ادعای فوق را زیر سؤال ببرد؛ چرا که در ایام جوانی خودپرستی، استقلال طلبی، تمرد، غلیان شهوت و ... بروز و ظهور می‌یابد. اما بسیاری از رفتارهای به‌ظاهر منفی جوان ریشه در کمال طلبی و آرمان‌خواهی او دارد. او به دنبال حقیقت زندگى است و خواه ناخواه از هرگونه مضيقه‌ای گريزان است. او به پیشرفت علاقه‌مند است و از این‌رو به مبارزه با کمی‌ها و کاستی‌ها می‌پردازد و در این دوران میل به کمال مطلوب جای علاقه‌های عملی و آنی را می‌گیرد (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۹۰). لذا تعاریف روشن قرآن در تبیین ماهیت زندگى دنيا برای جوان آرمان‌گرا، نقشه راهی برای جهت‌گیری مناسب به سوی اهداف او خواهد بود.

۲-۳. «زينت» ايمان

در برخی آيات از «زينت» و آراستگی‌ای سخن رفته که محسوس و ملموس نیست؛ بلکه زينتهاى مقولات انتزاعی و معنوی است. واضح است که جوان در دوره جوانی به اوج رشد شناختی دست می‌یابد پس می‌تواند درک درستی از زیبایی‌های حقیقی داشته باشد. خداوند سبحان در قرآن از زينت «ايمان» در دل‌های مؤمنان سخن گفته است: (... وَ لَكِنَّ اللّٰهَ حَبِيبٌ اِلَيْكُمْ الْاِيْمَانُ وَ زَيْنَتُهُ فِى قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّمَ اِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ) (حجرات: ۷).

چنان‌که گفتیم، جوان، همزمان با بلوغ فکری که از دوره نوجوانی آغاز می‌شود، گویی به ندای فطرت حق طلبی خود پاسخ می‌دهد و ايمان را در ساحت باور و عمل محقق می‌کند. چنان‌که تمایل به خود‌سازی، رسيدن به باور مذهبی، علاقه به کمال اخلاقی و تعقيب آرمان جامعه‌سازی، جوانان را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد و نوعی رویارویی بين آنها و جامعه بزرگسالان پديد می‌آيد (همان: ۱۶).

در قرآن کریم نمونه‌هایی بسیاری از جوانانی یاد شده که در سایه آراستگی به «زینت ایمان» کارهای شگرفی کرده‌اند و از آزمون‌های الهی سربلند بیرون آمده‌اند، از جمله: حضرت ابراهیم 7 که در جوانی به رشد لازم دست یافت و بر این اساس به سراغ بت شکنی و پی آمد منفی آن شتافت: (وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ) (انبیاء: ۵۱ - ۵۲). در جایی دیگر اسماعیل 7 در سنین نوجوانی به اوج بردباری و حلم، قدم نهاد و در پاسخ مشورت خواهی پدرش که خواب دیده بود او را سر می‌برد، گفت: به مأموریتت عمل کن و خواست خداوند را انجام بده، مرا ثابت قدم خواهی یافت:

(فَبَشِّرْهُ بِبُحَيْرٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا آبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (صافات: ۱۰۱ - ۱۰۵).

در ماجرای اصحاب کهف، تعدادی از کاخ نشینان جوان، به جنگ و مخالفت با محیط آلوده به شرک، بت پرستی و خودکامگی برخاستند و به قصد حفظ ایمان و باورشان به زندگی در آسایش و رفاه پشت پا زدند و راه هجرت و آوارگی را در پیش گرفتند و با انتخاب زندگی جدید، خواب و مرگ ویژه‌ای که داشتند، معجزه به یاد ماندنی را در تاریخ به ثبت رساندند: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوهُ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا) (کهف: ۱۴ - ۱۳).

همچنین یوسف 7 هنگامی که به سنین جوانی می‌رسد، بانوی عزیز مصر و سپس زنان مصری او را به خود می‌خوانند و او به قدرت ایمان، عفت نفس، و طهارت دامن، خود را حفظ می‌کند و قدرت خویش برای رویارویی در برابر نفس اماره را به خدا منتسب می‌کند: (وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ... وَ مَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) (یوسف: ۲۲ و ۵۳).

و در جریان هجرت پیامبر 9 آن‌گاه که علی 7 در بستر رسول خدا 9 می‌خوابد، در شأن امیر و اسوه مؤمنان آیه نازل می‌شود: آنکه جان خویش را تنها برای رضای خدا می‌فروشد؛ (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ) (بقره: ۲۰۷).

این‌ها نمونه‌هایی از جوانانی هستند که ایمان در دل‌هایشان به زیباترین صورت زینت‌یافته و از کفر و فسوق و عصیان بری شده‌اند. بعید نیست که جوان با تغییرات فیزیولوژیک و هورمونی و تضادها و تعارض‌های درونی بیش از سایر گروه‌های سنی تحت تأثیر نفس اماره باشد. اما اگر جوانی بتواند در میان همه تلاطم‌ها و هجمه‌های نفسانی، پاسدار «زینت قلبش» یعنی ایمان باشد، در زمره کسانی قرار می‌گیرد که به حقیقت رشد یافته‌اند. چنان‌که کلام وحی آن‌ها را (أُولَئِكَ هُمُ الرَّاٰشِدُونَ) (حجرات: ۷) معرفی می‌کند. همان‌طور که در آیه ۵۱ سوره انبیا، ابراهیم ۷ رشدیافته نام برده شد: (وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ) در حالی که قرآن فرعون را رشدیافته نمی‌داند، (وَمَا أُمِرُّ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ) (هود: ۹۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۰/۷).

۲-۴. «زینت» عمل

از دیگر زینت‌های مطرح شده در قرآن کریم، زینت اعمال است که در برخی آیات به صورت مطلق عمل و در برخی آیات دیگر مقید به زینت سوء و بد شده‌است. زینت دادن عمل این است که عمل را طوری قرار دهند که آدمی مجذوب و شیفته آن شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۰/۱۵) و آن را نیک ببیند و سعی نماید آن عمل را تکرار کند و یا اعمالی مانند آن انجام دهد. برخی معتقدند زینت دادن عمل مربوط به هر دو عمل خیر و شر است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۱/۱).

این‌که چه کسی اعمال بدکاران را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهد با توجه به آیات می‌توان سه مورد را ذکر کرد: ۱- خداوند ۲- شیطان ۳- گاهی تزئین به صورت فعل مجهول آمده و به فاعل آن تصریح نشده است. نکته‌ای که پیش از پرداختن به بررسی برخی آیات تحت این عنوان قابل ذکر است این است که حقیقتاً چه کسی اعمال بدکاران را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهد؟ خداوند؟ هوای نفس؟ یا شیطان؟ اما حقیقت این است که چون خداوند این اثر را در عمل آن‌ها آفریده می‌توان آن را به خدا نسبت داد زیرا در آغاز هنگامی که انسان‌ها گناهی می‌کنند، فطرتشان پاک، وجدانشان بیدار و عقلشان واقع‌بین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۱/۱).

با توجه به آیات به نظر نمی‌رسد که زینت یافتن عمل توسط شیطان جن و انس و جاذبه آن منحصر به نوجوانان و دوران نوجوانی باشد. اگرچه در حکایت نوح (ع) و فرزندش موج تبلیغاتی مخالفان کنعان پسر نوح را در سنین جوانی به دور از دید پدرش به کام خود برد، به گونه‌ای که

ترس از طوفان هم نتوانست او را به همراهی با پدر وا دارد؛ (وَنَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ اِزْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ. قَالَ سَاوِي اِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ...) (هود: ۴۳ - ۴۲).

۲-۵. «زینت» علم و حکمت

چنان که در بخش معناشناسی آورده شد، از جمله زینت‌ها، می‌توان به زینت علم و حکمت اشاره کرد که در حقیقت زینت نفس است. جوان که در ایام جوانی به اوج رشد شناختی می‌رسد می‌تواند درک درستی از مقولات انتزاعی داشته باشد، و در صورت ظهور قابلیت‌ها می‌تواند به زینت علم و حکمت آراسته گردد. تعبیر «بلغ شده» در آیات قرآنی به معنای این است که: انسان آن قدر زنده بماند و عمر کند تا نیروهای بدنش به حد قوت و شدت برسد، و این غالباً در سن هجده سالگی صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱۶)؛ گرچه برخی آن را تا سی سالگی دانسته‌اند که این ایام مطابق دوره جوانی است (طبرسی، بی تا: ۳۳۹/۵).

برابر آیات قرآن، مال یتیم تا قبل از سن جوانی می‌تواند در اختیار قیّم باشد و بعد از بلوغ واقعی، که تنها به رشد جسمی و نیروی جنسی نیست، بلکه به کمال فکر و عقل نیز وابسته است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۸۴/۲)، می‌تواند در اختیار جوان قرار گیرد تا خود تدبیر اقتصادی اموال خویش را داشته باشد: (وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ اَشُدَّهُ...) (انعام: ۱۵۲).

از سویی در آیه‌ای دیگر، یوسف ۷ آن‌گاه به خلعت علم و حکمت آراسته می‌شود که به ایام جوانی می‌رسد و کمال خلقت و اعتدال در وجودش محقق می‌گردد: (وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهُ اَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (یوسف: ۲۲). چنان که درباره موسی ۷ نیز این‌گونه بود: (وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ اَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (قصص: ۱۴) و حکمت را که برخی جز حکم نبوت، قوه درک، بینش و تمیز حق و باطل دانسته‌اند حاصل نمی‌شود، مگر آنکه شخص مراحل رشد را طی کند و ایام کودکی را پشت سر نهد و به جوانی برسد (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۵).

۲-۶. «زینت» و اسراف و افراط

روحیه آرمان‌گرایی و کمال‌طلبی جوان و جاذبه‌ای که نعمت‌های دنیایی برای او دارد، ممکن است او را به دام اسراف و افراط بکشاند؛ و در نهایت اسراف و افراط در تمتع و بهره‌گیری از زخارف

دنیایی، زمینه‌ساز تزئین زشتی‌ها شود: (زُيِّنَ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (یونس: ۱۲). البته اسراف تنها درباره نعمت‌های مادی مطرح نیست بلکه استفاده نابه‌جا از هرگونه نعمتی اسراف است. چنان‌که بیان شده:

اسراف هم درباره نعمت‌های بیرونی مطرح است و هم درباره نعمت‌های درونی. مثلاً از اولین لحظه‌ای که ارتکاب گناه در فکر انسان خطور می‌کند، قبل از ارتکاب، اسراف در نفسش پیدا می‌شود؛ یعنی او این پدیده فکری و علمی و نیز عملی یعنی عزم و اراده را بی‌جا مصرف می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۶).

نتیجه

با توجه به مجموع آیات مربوط به گرایش «زینت» و اوصاف آن از منظر قرآن، و پیوند این گرایش با دوره جوانی می‌توان گفت همه خصوصیات ذکرشده در آیات قرآنی درباره گرایش «زینت» انحصاراً مرتبط با دوره جوانی نیست، هرچند با توجه به ویژگی‌های دوره جوانی، ظهور و پدیداری این گرایش می‌تواند در این ایام باشد. از منظر قرآن زینت‌های طبیعی از آیات الهی هستند و از این جهت مذموم نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹۹/۱۳)، و می‌توان مطابق دستورات شریعت از همه آن‌ها بهره برد.

با این همه خداوند سبحان آنچه در طبیعت است را زینت و زیور دنیا یا زیور ارض می‌نامد نه زیور انسان. به همین دلیل تشخیص «زینت ارض» از «زینت قلب» چندان دشوار نیست، و زینت اصلی برای انسان از منظر قرآن ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۲۹/۲). لذا جوانان ستوده شده قرآنی همگی به «زینت» ایمان آراسته شده‌اند. همچنین نعمت‌ها و زینت‌های دنیا همچون جوانی که خرمی و بهاری دارد، فصل خزان و پژمردگی هم دارند (همان)؛ و این نعمت‌ها در برابر نعمت‌های سرای باقی متاعی اندک و زودگذرند. لذا بهترین فرصت برای بهره‌مندی شایسته از این نعمت‌ها غنیمت دانستن بهار جوانی، آراستن جان به زینت ایمان، و نیز آگاهی یافتن و عمل در محدوده‌ای است که شریعت بهره‌مندی از زینت‌های دنیوی را تعیین نموده است، تا در سایه آن میوه انسان کرامت‌مند قرآنی به بار نشیند.



پی‌نوشت‌ها:

۱. منظور آیه ۲۰ سوره حديد (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ) و تفاسیر متناظر با آن است: سید محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۱۶۴. محمد، صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۵، ص ۲۸. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۳، ص ۳۵۱ - ۳۵۲. عبدالله، جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، تحقیق: عباس، رحیمیان، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش، چاپ پنجم، ص ۲۴۲.

۲. برجسته‌ترین پژوهشگران حوزه‌ی جوانان، تعریف جوانی به لحاظ بازه مرتب با این دوره را متفاوت بیان کرده‌اند؛ برخی آن را بازه پانزده تا بیست و چهار سالگی بیان نموده‌اند. اما بر طبق گزارش منابع انسانی سازمان ملل متحد این بازه با توجه به هر کشور می‌تواند متفاوت باشد، چنان‌که برای کشور اردن این بازه پانزده تا بیست و نه سالگی بیان شده است. به هرحال آنچه در گزارش توسعه‌ی انسانی برنامه عمران سازمان ملل آمده، هماهنگ با روایتی از امام صادق ۷ در این باره است. (محمد، محمدی ری‌شهری، بهار زندگی (برگرفته از حکمت‌نامه‌ی جوان)، با همکاری: احمد، غلامعلی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۴ و ۱۵).

۳. اشاره به آیاتی که در مورد زیبایی‌ها و زینت‌های موجود در طبیعت سخن می‌گویند: (وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زِينَةً لِلنَّاطِرِينَ...) (حجر/۱۶)، (وَ الْخَيْلِ وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ لِيَتَرَكَّبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ) (نحل/۸)، (وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ) (نحل/۶)، (أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ...) (نمل/۶۰)، (فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَ آتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَ قَالَتْ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأِيَهُنَّ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ) (یوسف/۳۱).

۴. وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يَسْتَغْفِقْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.



منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه؛
۳. ابراهیم نژاد، محمد رضا. (۱۳۸۷). «خودآرائی و خودنمائی از دیدگاه اسلام»، فصلنامه خط اول، شماره ۴، صص ۹۳ - ۱۰۴؛
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ ق). لسان العرب، بیروت: دارالترتیب العربی؛
۵. بابایی، احمد علی. (۱۳۸۲ ش). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه؛
۶. برک، لورا. (۱۳۹۰ ش). روان‌شناسی رشد، مترجم، یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران، چاپ هیجدهم؛
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش). اسلام و محیط زیست، تحقیق: عباس، رحیمیان، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم؛
۸. _____. (۱۳۸۹ ش). تسنیم، تحقیق: علی اسلامی، قم: نشر اسراء، چاپ ششم؛
۹. _____. (۱۳۸۸ ش). تسنیم، تحقیق: محمدحسین، الهی زاده، قم: نشر اسراء، چاپ دوم؛
۱۰. _____. (۱۳۸۷ ش). مبادی اخلاق در قرآن، تحقیق: حسین شفیعی، قم: نشر اسراء، چاپ ششم؛
۱۱. حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۸۳). «عفاف و مصونیت اجتماعی، فلسفه حجاب اسلامی»، معرفت، شماره ۸۵؛
۱۲. دایان ای، پاپالیا، سالی، وندکاس، الدز، روت داسکین، فلدمن، (۱۳۹۲ ش). روان‌شناسی رشد و تحول انسان، مترجمان: داود عرب قهستانی، هامایاک آوادیس یانس، دکتر حمیدرضا سهرابی، فروزنده داورپناه، افسانه حیات روشنائی، دکتر سیامک نقشبندی، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم؛
۱۳. سجادی، سید ابراهیم. (۱۳۸۵). «جوان در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز، صص ۳۰۷ - ۲۷۸؛

۱۴. سلیمانی فر، ثریا. (۱۳۸۵ش)، «شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت»، بینات، شماره ۵۱، صص ۵۱-۷۳؛
۱۵. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: موسسه اسماعیلیان؛
۱۶. _____. (۱۳۶۵ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی؛
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو؛
۱۹. علیزاده، معصومه. (۱۳۸۵ش). «جمال و جوانی»، حدیث زندگی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۲-۳۳؛
۲۰. فخرایی، فرزانه. اسلام پورکریمی، حسن. (بهار ۱۳۸۹). «نگاهی کوتاه به زینت و خودآرایی از منظر آیات و روایات»، بانوان شیعه، شماره ۲۳، صص ۱۶۹-۱۸۸؛
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم؛
۲۲. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۴۴ش). «جوان و زیبایی»، درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۱، ص ۸؛
۲۳. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت؛
۲۴. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳ش). بهار زندگی (برگرفته از حکمت نامه جوان)، با همکاری: احمد غلامعلی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث؛
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲ش). فطرت، تهران: صدرا؛
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.